

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 9, Autumn 2021, 299-328
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.15950.1234

The Critical Survey of Evolution in Common Persian Slang Lexicography “By Emphasizing on Twelve Common Persian Slang Lexicons”

Ghodsie Rezvanian^{*}, Siyavash Haghjoo^{}**

Leila Darvish Ali Pour Astaneh^{*}**

Abstract

From Ghaghara era up to now, around 60 lexicons gathered but unawareness to methods and configuration of methods in micro and major structure for lexicography, the old approach to slang, low vision to slang in comparison with formal language, fear of destroying taboo words in formal language from cultural statecraft which caused more gathering merchant lexicon and unnoticed in university meetings. The territory of this essay is describing and criticizing twelve main lexicon in Persian slang from 60 lexicons by the usage of practical linguistics science. The results of this essay anecdote that 12 lexicons are adapted by Lexicography methods in formal language and the highest weakness of lexicographers is incorrect or defective information of sub enters in micro and major structure. This essay attempts to survey texts of 12 lexicons, assuming that the use of formal language Lexicography and Personal Computer (PC) Figuration can aid to protect and give scientific credit to this temporary language.

Keywords: Lexicography, Slang, Major and Micro Structure, PC Figuration.

* Professor, Persian Language & Literature, Mazandaran University, Mazandaran, Iran (Corresponding Author), ghrezvan@umz.ac.ir

** Associate Professor, Persian Language & Literature, Mazandaran University, Mazandaran, Iran, haghjoo@umz.ac.ir

*** PhD Student, Persian Language & Literature, Mazandaran University, Mazandaran, Iran, ldarvishalipur@yahoo.com

Date received: 11/06/2021, Date of acceptance: 06/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی در زبان فارسی عامیانه «با تکیه بر دوازده فرهنگ زبان فارسی عامیانه»

قدسیه رضوانیان*

سیاوش حق‌جو**، لیلا درویش‌علی‌پور آستانه***

چکیده

هرچند از دوران قاجار تا کنون حدود شصت فرهنگ زبان فارسی عامیانه تدوین شده است، کم‌آگاهی فرهنگ‌نویسان یا پای‌بند نبودن آنان به اصول فرهنگ‌نویسی در پیکره‌نگاری، نگاه ذوقی و گذشته‌نگر آن‌ها به زبان عامیانه، نازل‌نگری زبان عامیانه در برابر زبان رسمی، و ترس از ورود واژگان تابوشکن در زبان معیار از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی باعث شکل‌گیری فرهنگ‌های بازاری بسیاری شد و در محافل دانشگاهی نیز به رسمیت شناخته نشدند. این جستار، از بین شصت فرهنگ موجود، تنها دوازده «فرهنگ واژگان و تعابیر عامیانه» را هم‌سو با معیارهای فرهنگ‌نویسی در علم زبان‌شناسی کاربردی یافته است، اما باز استفاده از روش کتاب‌خانه‌ای به جای روش میدانی در گردآوری داده‌ها و ناقص یا نادرست بودن اطلاعات زیرمدخلی از ضعف‌های عمده این دست فرهنگ‌هاست که این جستار به بررسی توصیفی - انتقادی متن این فرهنگ‌ها می‌پردازد. به نظر می‌رسد، استفاده از پیکره‌نگاری زبان معیار و پیکره‌بندی رایانه‌ای می‌تواند به حفظ و اعتباربخشی علمی این زبان گریزنا بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی عامیانه، پیکره‌بندی رایانه‌ای، ساختار خرد و کلان.

* استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، ghrezvan@umz.ac.ir

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، haghjoo@umz.ac.ir

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران، ldarvishalipur@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵



۱. مقدمه

هرچند حدود دو سده از زمان پیکره‌نگاری زبان فارسی عامیانه می‌گذرد، این بازه زمانی در مقایسه با شروع فرهنگ‌نویسی در زبان معیار که به دوران باستان، یعنی فرهنگ‌هایی مثل *اویم-ایوک (Oim-evak)* (اوستایی - پهلوی) و *واژه‌نامه پهلوی مناختای (Menaxtāi)* (زرشناس ۱۳۸۴: ۴۶)، لغت فرس (قرن ۵ ق)، و ... برمی‌گردد، رقم ناچیزی است. در همین دو سده نیز جریان‌هایی مثل مردمی‌شدن ادبیات با نهضت مشروطه، بیانیه فرهنگستان زبان، آثار عامیانه‌نویسانی چون جمال‌زاده، دهخدا، آل‌احمد، و... نقش به‌سزایی در مکتوب‌سازی زبان عامیانه داشته است، اما رسوبات نازل‌نگری به زبان عامیانه و نگاه گذشته‌نگر به این زبان مانع از توجه علمی به زبان فارسی عامیانه در محافل دانشگاهی و در پی آن تحلیل‌گران سیاسی-اجتماعی و مردم‌شناسان، ادیبان، و غیرفارسی‌زبانان برای آشناسدن با تغییرات زبانی و فرهنگی مردم جامعه شد. هرچند گردآوری داده‌های زبانی با نظم الفبایی به‌عنوان گامی آغازین برای حفظ برگ‌هایی ارزش‌مند از تاریخ شفاهی ایران اهمیت به‌سزایی داشته است، داشتن روشی علمی، اصولی، و هماهنگ برای پیکره‌بندی ساختار خرد و کلان واحدهای واژگانی مهم‌تر به‌نظر می‌رسد. بدین منظور در دهه‌های اخیر، گرایش فرهنگ‌نویسی در زبان‌شناسی کاربردی نقش مهمی در روش‌مندسازی تدوین فرهنگ، نقد و ارزیابی، آهنگ تحول مدخلی، و روش گردآوری روزآمد این دست فرهنگ‌ها ایفا کرده است.

چهارچوب ساختاری این مقاله را دست‌یابی به پاسخ پرسش‌های زیر شکل می‌دهد:

۱. آیا معیارهایی برای نقد فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه تاکنون معرفی شده است؟
۲. چه آسیب‌هایی در روش دوازده فرهنگ انتخابی این مقاله وجود دارد؟
۳. زبان‌شناسی کاربردی چه کمکی به تدوین فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه می‌کند؟

این مقاله اهداف زیر را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از:

الف. معرفی سیر خطی فرهنگ‌های فارسی عامیانه از بدو پیدایش، یعنی از دوران قاجار تا کنون.

ب. نقد روش فرهنگ‌نگاری واژه‌نامه‌های شاخص موجود در زبان فارسی عامیانه.

ج. پیوندزدن جریان پیکره‌نگاری رایانه‌ای در فرهنگ‌های رسمی با فرهنگ‌نگاری زبان فارسی عامیانه.

اهمیت و ضرورت این مقاله در برجسته‌سازی ضعف‌های فرهنگ‌های فارسی عامیانه پیشین در پی نقد روش فرهنگ‌نگاری فیش‌نویسی سستی برای گذار از این جریان با هدف فرهنگ‌نگاری یارانه‌ای است. چیزی شبیه دایرةالمعارف الکترونیکی زبان عامیانه تا زبان عامیانه به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی مثل زبان رسمی پذیرفته شود. هم‌چنین، داده‌های کیفی این پژوهش می‌تواند مورد استفاده سایر رشته‌های علوم انسانی، زبان‌شناسی، و ادیبان فرهنگستان زبان و هنر نیز قرار بگیرد.

۱.۱ پیشینه پژوهش

درباره فرهنگ‌نویسی، انواع، تاریخچه، اصول، و شیوه‌های نقد، و نرم‌افزارهای ساخت آن در ایران پژوهش‌های درخور توجهی وجود دارد که به‌نوعی مبانی نظری این پژوهش بر یافته‌های آنان متکی است. این پژوهش‌ها به‌ترتیب زمانی عبارت‌اند از:

۱. اسپیزر، در فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه، و اسلنگ مردم آمریکا (۱۳۹۷)، ترجمه بابک محقق و مسعود قاسمیان، که در مقدمه ۲۷ فرهنگ فارسی عامیانه به زبان اسلنگ را به‌شکلی گذرا معرفی کرده است.

۲. قربان‌زاده، در «معرفی نرم‌افزار فرهنگ‌نویسی پرلکس» (۱۳۹۵)، نرم‌افزاری با تمامی امکانات لازم برای فرهنگ‌نگاری را از قبیل فرمان تنظیم نوع، اندازه، و رنگ قلم، فهرست کلمات براساس نویسه‌های پایانی و آغازی، نقش دستوری، و حوزه معنایی و کاربردی معرفی می‌کند.

۳. جعفری، در «مروری بر مقوله نقد فرهنگ لغت و مبانی آن» (۱۳۹۳)، یکی از موانع افزایش دانش کار با فرهنگ لغت را نبود نظریه منسجم و مشخص در حوزه نقد و داوری آن می‌خواند و، ضمن معرفی ساختار کلان، خرد، و میانی فرهنگ، نکاتی را برای نقد فرهنگ در اختیار منتقدان قرار می‌دهد.

۴. سبزی‌علیپور و نیک‌گهر، در «فرهنگ‌نگاری گویشی: مطالعه موردی بررسی فرهنگ‌نگاری در گیلکی» (۱۳۹۳)، کوشیده‌اند با روش توصیفی شش فرهنگ شاخص گویش گیلکی را با معیارهای علمی فرهنگ‌نگاری از قبیل معرفی جغرافیای زبانی، روش و افراد اطلاع‌دهنده، شرح نشانه‌های اختصاری، رعایت واج‌نویسی، مدخل‌نویسی درست و بیان مثال، معادل‌یابی، پرهیز از ریشه‌شناسی، و... ارزیابی علمی کنند. براساس نتایج آنان، فرهنگ‌نگاری گویشی در ایران چندان روش‌مند نیست. اغلب این فرهنگ‌ها تنها برای گویش‌وران گیلک زبان مفیدند، نه دیگر پژوهش‌گران.

۵. عباسی، در «فرهنگ‌نویسی و توانش کاربرد شناختی» (۱۳۹۲)، تنها کاربرد جملات دستوری را ضامن انتقال پیام نمی‌داند، بلکه نحوه کاربرد کلمه در گفتار و قصد گوینده را هم دخیل می‌داند و فرهنگ‌نگار می‌تواند با زدن برجسب نگرش (توهین‌آمیز، طنزآمیز، تأکیدی، احساسی، درتأیید، احتمال، تردید، و...) نحوه کاربرد اصطلاح را در ساختار خرد فرهنگ مشخص کند.
۶. آزاد ارمکی و دیگران با مقاله «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه با تأکید بر ضرب‌المثل‌های گری» (۱۳۹۲) کوشیده‌اند تا بین گفتار کاربران ضرب‌المثل‌ها و رفتار آنان رابطه هم‌بستگی یا تعارض بیابند. نتایج مقاله آن‌ها نشان داد: ضرب‌المثل‌های گری نقشی در پیشرفت و توسعه زندگی لرها نداشته‌اند، زیرا بین رفتار و گفتار مردم مغایرت وجود دارد.
۷. بختیاری، در «ریشه‌شناسی در فرهنگ‌ها» (۱۳۸۸)، بر ضرورت ریشه‌شناسی در خردساختار فرهنگ برای بالابردن دانش کاربران فرهنگ تأکید می‌کند تا با کمک ریشه‌شناسی از ریشه‌شناسی‌های عوامانه و شبه‌عالمانه پرهیز شود.
۸. نغزگوی کهن، در «تاریخچه فرهنگ‌نویسی عامیانه فارسی» (۱۳۸۶)، پیشینه فرهنگ‌نویسی را در دوران قاجار و با فرهنگ *مرآت‌البلها* منسوب به حبیب‌الله لشکرنویس یا شریعت‌مدار تبریزی می‌داند و در ادامه، ضمن معرفی سیر خطی فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه تا دوران معاصر، فرهنگ‌های جدید را علمی‌تر و طبیعی‌تر از گذشته می‌خواند و بر لزوم جمع‌آوری زبان مردم توسط فرهنگستان زبان تأکید می‌کند.
۹. قطره، در «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی امروز» (۱۳۸۶)، ضمن انتقاد بر شیوه سنتی فیش‌نویسی و معرفی ساختار خرد و کلان فرهنگ، استفاده از یافته‌های زبان‌شناسی کاربردی را گامی مؤثر در تدوین علمی فرهنگ‌ها می‌داند.
۱۰. لیان، در «ضرورت توجه به صورت‌های شکسته در فرهنگ‌ها» (۱۳۸۶)، وظیفه اصلی فرهنگ‌نگار را توصیف زبان می‌داند، نه تجویز زبان؛ فرهنگ‌نگار در ضبط مدخل‌ها نباید صورت تلفظ واژه‌ها را دست‌کاری کند و آن‌ها را به زبان نوشتاری درآورد.
۱۱. طباطبایی، در «نکاتی درباره آسیب‌شناسی برخی فرهنگ‌ها» (۱۳۸۶)، فرهنگ‌های موجود را به دلیل ضعف در روش کار و نبود دانش و منابع کافی ناقص می‌داند و ضبط نابه‌جای واژه‌ها، تشخیص نادرست مقوله دستوری، بی‌نظمی در ترتیب قرارگیری مدخل‌های اصلی و فرعی، کثرت مثال را برای نمونه توضیح داده است.

۱۲. خطیبی، در «پیکره در فرهنگ‌نویسی: پیکره زبانی رایانه‌ای» (۱۳۸۶)، ضمن معرفی پیشینه فرهنگ‌های رسمی زبان فارسی، تلاش‌های فرهنگستان را مبنی بر تدوین پیکره زبانی رایانه‌ای فرهنگ جامع زبان فارسی، لوح‌های فشرده دُرج، تأسیس پایگاه‌های داده، گنج‌واژه، و... برشمرده است.

۱۳. عاصی، در «از پیکره زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای» (۱۳۷۹)، سامان‌دهی فرهنگ‌های سنتی و روزآمدسازی رایانه‌ای مدخل‌های آن‌ها را ضروری می‌خواند، زیرا رایانه به سرعت می‌تواند بر حجم زیادی از داده‌ها دسته‌بندی و تحلیل علمی انجام دهد.

۲.۱ روش پژوهش

این پژوهش بنیادی-کاربردی کوشیده است تا دوازده «فرهنگ واژگان و اصطلاحات عامیانه فارسی»، که نزدیک‌ترین نسبت را با معیارهای فرهنگ‌نویسی رسمی زبان معیار در زبان‌شناسی کاربردی داشته‌اند، انتخاب کند، زیرا بسیاری از فرهنگ‌های عامیانه یا تک‌موضوعی‌اند، مثل فرهنگ امثال یا کنایات یا جز نظم‌القبایی، واژه، و معنی مزیتی بر سایرین ندارند. این دوازده فرهنگ عبارت‌اند از: ۱. مرآت‌البله‌ها منسوب به حبیب‌الله لشکرنویس یا شریعت‌مدار تبریزی [بی‌تا]؛ ۲. فرهنگ لغات عامیانه (۱۳۴۱) از محمدعلی جمال‌زاده، ۳. کتاب کوچ (۱۳۵۵-۱۳۹۱) از احمد شاملو، ۴. قند و نمک (۱۳۷۰) از جعفر شهری، ۵. فرهنگ جبهه؛ اصطلاحات و تعبیرات (۱۳۶۸-۱۳۷۱) از سیدمهدی فهیمی، ۶. فرهنگ لغات عامیانه و معاصر (۱۳۷۷) از رضا انزابی‌نژاد و منصور ثروت، ۷. فرهنگ فارسی عامیانه (۱۳۷۸) از ابوالحسن نجفی، ۸. فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان (۱۳۸۰) از مهشید مشیری، ۹. فرهنگ لغات زبان منحنی (۱۳۸۲) از سیدمهدی سمائی، ۱۰. فرهنگ زبان‌زدهای فارسی (۱۳۸۸) از غلام‌حسین صدری افشار، ۱۱. دایرةالمعارف زیبای خنده (۱۳۸۸) از سیدجواد هاشمی‌نژاد، ۱۲. فرهنگ فارسی گفتاری (۱۳۹۵) از بهروز صفرزاده.

۲. بحث و بررسی

۱.۲ سنجه‌های ارزیابی و نقد پیکره زبانی فرهنگ‌های فارسی عامیانه

فرهنگ‌نویسی گرایشی از علم زبان‌شناسی کاربردی است. زبان‌شناسی کاربردی خود از دستاوردهای حوزه‌های مختلف مثل معناشناسی، صرف، نحو، آواشناسی و واج‌شناسی،

کاربردشناسی، زبان‌شناسی پیکره‌ای، زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی، جامعه‌شناسی زبان، و... در تدوین فرهنگ بهره می‌گیرد. تدوین واژه‌نامه کاری ذوقی و تفننی نیست، بلکه روش‌مند و اصولی است، زیرا واژه‌نامه تنها مرجع برای یافتن واژه‌ها، تلفظ، و معنای آن‌هاست که کاربران زبان در کنار این‌ها مفاهیمی مثل مرجعیت، اعتبار، دقت، و درستی را هم می‌آموزند (سارلی ۱۳۹۲: ۶۸). متأسفانه، فرهنگ‌های عامیانه زیادی وجود دارند که حاوی اطلاعات فراوان اما ناروش‌مند و پریشان‌اند و غالباً با کوشش و تلاش طاقت‌فرسای یک نفر و اقتباسی ناسنجیده از مدخل و روش فرهنگ‌های پیش از خود از قبیل فرهنگ‌های فارسی رسمی یا غربی تدوین شده‌اند. برای سنجش فرهنگ‌ها با سه رکن «فرهنگ»، «فرهنگ‌نگار»، و «کاربران فرهنگ» روبه‌رویم:

۱. «فرهنگ» دارای پیکره زبانی است. پیکره زبانی همان مجموعه‌ای خام از داده‌های زبانی نوشتاری یا گفتاری است که می‌توان در توصیف و تحلیل زبان از آن بهره گرفت (قطره ۱۳۸۶: ۶۸). فرهنگ‌ها به دو دسته عمومی و تخصصی یک‌زبانه و دو یا چندزبانه تقسیم می‌شوند. بیش‌ترین بخش واژگان هر زبان در فرهنگ‌های عمومی جای دارد که در آن تعابیر عامیانه نیز می‌توان یافت:

فرهنگ‌های تخصصی مجموعه‌ای از اصطلاح‌های یک رشته تخصصی یا یک زمینه از یک دانش خاص هستند که از راه تعریف، توصیف، و تصویر و برابره‌های فارسی ارائه می‌شوند و به موضوعی، الفبایی، و مختلط نیز طبقه‌بندی می‌شوند (مشیری ۱۳۶۹: ۱۰۴).

عنوان فرهنگ قلمرو موضوعی سرواژه‌ها یا مدخل‌ها را مشخص می‌کند. هر فرهنگ معتبری ساختار کلان و خرد دارد.

- **ساختار کلان:** همان نظام درونی کل فرهنگ است که با آن می‌توان پیکره زبانی، دایره انتخاب واحدهای واژگانی، طبقه‌بندی سرواژه‌ها به اصلی و فرعی و مرتب‌سازی سرواژه‌ها، فهرست اعلام، و جدول‌ها را شناخت. ملاک اصلی تعیین ترتیب سرواژه‌ها در فرهنگ، افزون‌بر نظم الفبایی، صورت املائی و آوانگاری هر واحد واژگانی است.

- **ساختار خرد:** فرهنگ طرح و ساختار داخلی بدنه هر فرهنگ است که اطلاعات ریز و دقیقی را درباره واحدهای واژگانی از قبیل املا و تلفظ، هویت دستوری، اطلاعات سبکی، کاربردی، تاریخی، معنا و تعریف، شاهد/مثال، و اطلاعات ریشه‌شناختی

ارائه می‌کند. در برخی فرهنگ‌ها اطلاعات تصریفی، مترادف‌ها، و متقابل‌ها نیز در ساختار خرد قید می‌شوند (قطره ۱۳۸۶: ۷۰-۷۲). در همین ساختار کلان و خرد توجه به نکات زیر اجتناب‌ناپذیر است:

۱. در مقدمه فرهنگ باید پیشینه‌ای کوتاه از سنت فرهنگ‌نویسی در گونه زبانی انتخاب و تعریفی دقیق و جامع از هشت مقوله دستوری اسم، ضمیر، صفت، قید، فعل، حرف اضافه، حرف ربط، و صوت ارائه شود، نشانه‌های اختصاری و کوتاه‌نوشت‌ها و شیوه ارجاع‌دهی، منابع، و گروه همکاران معرفی شوند. در فرهنگ‌های زبان عامیانه، منبع واحدهای واژگانی معمولاً از گفت‌وگوهای روزانه فارسی‌زبانان، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، نوشته‌های سایت‌ها و وبلاگ‌های گوناگون، گفت‌وگوهای درون متون داستانی معاصر، و... گردآوری می‌شوند.
۲. در بدنه فرهنگ، که سرواژه‌ها به اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند، باید سرواژه‌ها به همان شکلی که تلفظ می‌شوند تدوین شوند (لیان ۱۳۸۶: ۲۰۱). هر نوع دست‌کاری روی مدخل مثل انتخاب شکل معیار تلفظ واژه یا اصطلاح روایی و دقت علمی فرهنگ را خدشه‌دار می‌کند، در شاهد مثال‌ها هم نباید نثر گفتاری به نثر نوشتاری تبدیل شود. این کار مانع توصیف علمی زبان فارسی واقعی و پویا می‌شود. در واج‌نویسی هم باید روش تلفظ آوانگاری آمریکای شمالی (APA) انتخاب شود. در آوانویسی برای جداسازی تقطیع هجایی از خط تیره یا نقطه استفاده شود. بست چاکنای (همزه و ع) آغازی بهتر است با نشانه /, / مشخص شود. اگر بست چاکنای در وسط کلمه مرکب باشد، نیاز نیست تلفظ شود؛ مثل بارنداز به جای بارآنداز (قربان‌زاده ۱۳۹۴: ۱۹۳). بیان مصوت مرکب (ey,ow,aw) به پیروی از واژگان غربی در فرهنگ نادرست به نظر می‌رسد و می‌توان از مصوت‌هایی مثل o:, i:, u: استفاده کرد؛ مثل طوری‌شدن: آسیب‌دیدن *to:ri: šodan* در سرواژه‌های فعلی از شکل مصدری فعل به جای صرف شش حالت آن استفاده شود، معانی سرواژه‌ها با حروف یا با اعداد یا سایر نشانه‌های قراردادی از هم تفکیک شوند (هاشمی میناباد ۱۳۶۸: ۲۵). هویت دستوری و احیاناً بلاغی مدخل باید دقیق باشد، زیرا تنها کاربرد جملات دستوری نمی‌تواند تضمینی بر انتقال موفق پیام از گوینده به شنونده باشد. این‌جاست که مقوله «کاربردشناسی زبان با برچسب‌دهی به جای عوامل غیرزبانی مثل تفاوت‌های جنسیتی، سطح سواد، شخصیت، و حالت روحی گوینده در دل شاهد مثال‌ها

مدخل را در قالب بافت جمله توصیف می‌کند، زیرا عموماً معنای کلمه در واژه‌نامه‌ها فارغ از بافت اجتماعی آن بررسی شده است» (عباسی ۱۳۹۲: ۳۲). برخی فرهنگ‌نگاران، در مواقعی که شاهد مثالی نمی‌یابند، شاهد مثال‌های جعلی می‌سازند که باید با نشانه‌های قراردادی جمله مثال از جمله شاهد مشخص شود، زیرا «جمله مثال جمله‌ای است که فرهنگ‌نویس خود براساس شم زبانی خودش ساخته، ولی جمله شاهد جمله‌ای است که فرهنگ‌نویس از پیکره یا پیکره‌های مشخص واقعی استخراج کرده است» (طیب‌زاده ۱۳۹۵: ۸). در بیان شاهد مثال نباید زیاده‌روی شود، زیرا باعث حجم‌افزایی بی‌رویه فرهنگ می‌شود. وجود مترادف و متضاد سرواژه‌ها و ارجاع آن‌ها به نمونه‌های مشابه درون فرهنگ بر ارزش آن می‌افزاید، اما «نباید فرهنگ‌نگار به جای تعریف‌نگاری با زبانی ساده و روشن از چند مترادف استفاده کند» (قربان‌زاده ۱۳۹۴: ۱۸۶). ریشه‌شناسی واژه‌ها تنها نباید به واژه‌های قرضی محدود باشد، بلکه واژه‌های بومی نیز باید ریشه‌شناسی شوند. برچسب‌دهی هم باید عالمانه صورت گیرد، زیرا برخی از برچسب‌ها که برای حوزه تخصصی به کار می‌روند، بخش زیادی از بار تعریف را بردوش می‌کشند (همان: ۱۹۵). برای ارجاع مدخلی به مدخل دیگر و مترادف‌ها از نشانه پیکان استفاده می‌شود. ترکیب‌ها در واحدهای واژگانی نباید تنها توالی واژگانی باشند، زیرا گاهی دو واژه در کنار هم معنای مجازی می‌دهند و توالی واژگان تنها به حجم فرهنگ می‌افزاید. «افعال به دو گروه بسیط و غیربسیط تقسیم می‌شوند. فعل بسیط مثل آمدن و رفتن و فعل غیربسیط هم به پیشوندی (برآمدن، فرورفتن)، مرکب (تهدیدکردن، دعاکردن)، پی‌بستی (حرصش گرفت، سردش شد)، گروه‌واژی (دست به دامان کسی شدن، آه در بساط نداشتن) تقسیم می‌شود (طیب‌زاده ۱۳۹۵: ۸). در مواردی که واحدهای واژگانی صفت فاعلی، مفعولی، یا ترکیبی از اسم + بن فعل یا مصدر یا حاصل مصدر باشند، برچسب «اسم» کافی است. بهتر است در فرهنگ‌ها از نشانه‌های اختصاری استفاده نشود، زیرا کاربر فرهنگ را سردرگم می‌کند و موجب دشواری استفاده از فرهنگ می‌شوند. این شیوه از فرهنگ‌های غربی به فرهنگ‌های فارسی عامیانه راه یافته است، زیرا در زبان انگلیسی حروف گسسته نوشته می‌شوند، اما در زبان فارسی حروف پیوسته نوشته می‌شوند. اگر نشانه‌های اختصاری صدها بار هم در فرهنگ تکرار شوند، تنها چند سطر به فرهنگ می‌افزاید (قربان‌زاده ۱۳۹۴: ۲۰۵).

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی ... (قدسیه رضوانیان و دیگران) ۳۰۹

واژه‌نامه‌هایی از دوران قاجار تا کنون با موضوع زبان فارسی عامیانه تدوین شده است که در جدول زیر سیاهه‌ای از این سیر خطی و تاریخی در منابع چاپی و الکترونیکی آمده است:

جدول ۱. سیر خطی فرهنگ‌های فارسی عامیانه

عناوین فرهنگ‌های عامیانه فارسی	تدوین‌گر	سال تدوین	نوع طبقه‌بندی	روش گردآوری
۱. مرآت‌البها (لغات مصطلحه عوام)	حبیب‌الله لشکرنویس یا شریعت‌مدار تبریزی (؟)	عصر فتحعلی‌شاه	القبایی	میدانی
۲. مجمع‌الامثال و جامع‌التمثیل	محمدعلی هبله‌رودی	۱۲۶۹ش	القبایی	کتابخانه‌ای
۳. فرهنگ واژه‌های عامیانه	رضا حکیم خراسانی	۱۳۰۷ق	بدون نظم	کتابخانه‌ای
۴. امثال و حکم دهخدا	علی‌اکبر دهخدا	۱۳۰۸-۱۳۱۱ش	القبایی	کتابخانه‌ای
۵. فرهنگ عامیانه، امثال، لغات، و مصطلحات	یوسف رحمتی	۱۳۲۶	القبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۶. امثال فارسی - انگلیسی	سلیمان حبیب	۱۳۳۴	القبایی	کتابخانه‌ای
۷. فرهنگ امثال فارسی	یوسف جمشیدی‌پور	۱۳۳۷	القبایی	کتابخانه‌ای
۸. فرهنگ عوام	امیرقلی امینی	۱۳۳۹	القبایی	کتابخانه‌ای
۹. فرهنگ لغات عامیانه	محمدعلی جمال‌زاده	۱۳۴۱	القبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۱۰. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم	مهدی پرتوی آملی	۱۳۵۵	القبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۱۱. کتاب کوچک	احمد شاملو	۱۳۵۵	القبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۱۲. امثال سائره و پنجاهای موزون	زهرا مزارعی	۱۳۶۱	القبایی	کتابخانه‌ای
۱۳. داستان نامه بهمن‌یاری	احمد بهمن‌یار	۱۳۶۱	القبایی	کتابخانه‌ای
۱۴. رجال عصر ناصری (بخش کبوتر و کبوتربازی)	دوستعلی‌خان معیرالممالک	۱۳۶۱	القبایی	میدانی
۱۵. فرهنگ کنایات	منصور ثروت	۱۳۶۴	القبایی	کتابخانه‌ای
۱۶. فرهنگ معاصر	رضا انزایی‌نژاد و منصور ثروت	۱۳۶۶	القبایی	کتابخانه‌ای
۱۷. فرهنگ جبهه؛ اصلاحات و تعبیرات	سیدمهدی فهیمی	۱۳۶۸ - ۱۳۷۱	القبایی - موضوعی	میدانی
۱۸. فرهنگ مثل‌ها و اصطلاحات متداول	صادق عظیمی	۱۳۶۹	القبایی	کتابخانه‌ای
۱۹. ده هزار و پانصد امثله	محمدتقی اسکندری	۱۳۶۹	القبایی	کتابخانه‌ای
۲۰. مائشین نوشته‌ها	سیدجعفر حمیدی	۱۳۶۹	القبایی	کتابخانه‌ای

۳۱۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۹، آذر ۱۴۰۰

عناوین فرهنگ‌های عامیانه فارسی	تدوین‌گر	سال تدوین	نوع طبقه‌بندی	روش گردآوری
۲۱. قند و نمک	جعفر شهری	۱۳۷۰	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۲۲. ده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آن‌ها	ابراهیم شکورزاده	۱۳۷۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۳. فرهنگ عمومی مواد مخدر	حسین نیر	۱۳۷۲	الفبایی	میدانی
۲۴. ضرب‌المثل‌های منظوم فارسی	محمدعلی حقیقت	۱۳۷۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۵. فرهنگ لغات عامیانه و معاصر	رضا انزایی نژاد و منصور ثروت	۱۳۷۷	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۶. فرهنگ فارسی عامیانه	ابوالحسن نجفی	۱۳۷۸	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۷. فرهنگ اتباع و اتباع‌سازی در زبان فارسی	مهشید مشیری	۱۳۷۹	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۲۸. فرهنگ امثال و تعبیرات فارسی - فرانسه	علی اصغر سیدیعقوبی	۱۳۸۰	الفبایی	کتابخانه‌ای
۲۹. سالن ۶۶ یادداشت‌های روزانه زندان	سیدابراهیم نبوی	۱۳۸۰	الفبایی	میدانی
۳۰. فرهنگ منظوم و منثور ضرب‌المثل‌های فارسی و معادل انگلیسی آن‌ها	منوچهر موسوی	۱۳۸۰	الفبایی	کتابخانه‌ای
۳۱. فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان	مهشید مشیری	۱۳۸۰	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۳۲. نسل جوان ما چگونه سخن می‌گویند؟	عفت مستشارنیا	۱۳۸۱	بدون نظم	میدانی
۳۳. پس‌کوچه‌های فرهنگ (پانزده هزار اصطلاح، کنایه، تکیه‌کلام عامیانه)	محب‌الله پرچمی	۱۳۸۲	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۳۴. فرهنگ‌نامه کنایه	منصور میرزانی	۱۳۸۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۳۵. فرهنگ لغات زبان مخفی	مهدی سمائی	۱۳۸۲	الفبایی - موضوعی	میدانی
۳۶. فرهنگ بیست هزار مثل، حکمت، و اصطلاح	صادق عظیمی	۱۳۸۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۳۷. فرهنگ اصطلاحات عامیانه خودرو	شهرداد میرزایی	۱۳۸۲	الفبایی	میدانی
۳۸. فرهنگ کنایات سخن	حسن انوری	۱۳۸۳	الفبایی	کتابخانه‌ای
۳۹. مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی	محمود اکرامی فر	۱۳۸۳	الفبایی - موضوعی	میدانی
۴۰. فرهنگ امثال سخن	حسن انوری	۱۳۸۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۱. فرهنگ نوین زبان مخفی	مطهره امینیان	۱۳۸۴	الفبایی	کتابخانه‌ای

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی ... (قدسیه رضوانیان و دیگران) ۳۱۱

عناوین فرهنگ‌های عامیانه فارسی	تدوین‌گر	سال تدوین	نوع طبقه‌بندی	روش گردآوری
۴۲. مثل‌ها و قصه‌هایشان	مصطفی رحمان‌دوست	۱۳۸۴	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۳. عسل و مثل	علی محمدی تاکندی	۱۳۸۵	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۴. فرهنگ زبان‌زدهای فارسی	غلام‌حسین صدری افشار	۱۳۸۶	الفبایی	میدانی
۴۵. فوت کوزه‌گری (مثل‌های فارسی و داستان‌های آن‌ها)	مصطفی رحمان‌دوست	۱۳۸۶	الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۶. اتول‌نامه (فرهنگ ماشین‌نوشته‌ها)	سیدجمال هادیان	۱۳۸۸	بدون نظم	میدانی
۴۷. فرهنگ شفاهی سخن	محب‌الله پرچمی	۱۳۸۸	الفبایی	کتابخانه‌ای - میدانی
۴۸. دایرةالمعارف زیبایی‌خنانه	سیدجواد هاشمی‌نژاد	۱۳۸۸	موضوعی - الفبایی	کتابخانه‌ای
۴۹. فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی	حسن ذوالفقاری	۱۳۹۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۰. صدوپنجاه ضرب‌المثل به سه زبان فارسی، عربی، و انگلیسی	غلام‌حسن فولادی	۱۳۸۹	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۱. فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی - عربی	مهدی ناصری	۱۳۹۰	موضوعی	کتابخانه‌ای
۵۲. زیباترین ضرب‌المثل‌های فارسی (الکترونیک)	محمد صادقی سیار	۱۳۹۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۳. مثل‌های ایرانی	عزیز سفیدگر	۱۳۹۲	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۴. امثال و تعابیر عربی - فارسی	رضا ناظمیان	۱۳۹۳	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۵. زبان مردم طهران	منوچهر ستوده و اسدالله کفافی	۱۳۹۳	الفبایی	میدانی
۵۶. فرهنگ برویچه‌های ترون	مرتضی احمدی	۱۳۹۳	الفبایی	میدانی
۵۷. فرهنگ فارسی‌گفتاری	بهروز صفرزاده	۱۳۹۵	الفبایی	میدانی
۵۸. نخستین امثال‌نامه ایران در روزنامه فکر آزاد (الکترونیک)	سیدهمدی سیدقطبی	۱۳۹۵	الفبایی	کتابخانه‌ای
۵۹. ضرب‌المثل‌های ایرانی در قالب اشعار شیرین و طنز	پرویز فرشیدمهر	۱۳۹۵	الفبایی	کتابخانه‌ای
۶۰. مثل‌های معروف ایرانی (الکترونیک)	آرتا فرزنان	۱۳۹۵	الفبایی	کتابخانه‌ای

براساس جدول ۱، می‌توان داده‌های کمی را به داده‌های توصیفی تبدیل کرد و به نتایج

کیفی رسید.

جدول ۲. تحلیل سیر فرهنگ‌نویسی زبان فارسی عامیانه براساس موضوع، نوع، و روش و شیوه تنظیم

موضوع فرهنگ‌ها	واژگان و اصطلاحات	ضرب‌المثل	کنایه	ترکیبی	تطبیقی
	۲۲	۲۰	۳	۸	۷
روش گردآوری	کتاب‌خانه‌ای	میدانی	میدانی - کتاب‌خانه‌ای		
	۴۳	۱۰	۷		
روش تنظیم	الفبایی	موضوعی	الفبایی - موضوعی		
	۵۲	۱	۴		
					بدون نظم
					۳

تحلیل جدول ۲: از داده‌های کمی بالا می‌توان دریافت که بعد از واژگان و اصطلاحات عامیانه بیش‌ترین توجه فرهنگ‌نگاران حتی در دهه ۱۳۹۰ به ضرب‌المثل بوده است، درحالی‌که اغلب این ضرب‌المثل‌ها با تغییر شرایط اجتماعی کارکرد زیادی ندارند. روش گردآوری داده‌ها اغلب کتاب‌خانه‌ای است. حال آن‌که فرهنگ‌های فارسی عامیانه بیش‌تر خصلت میدانی دارند و روش کتاب‌خانه‌ای به‌تنهایی کافی نیست. در سراسر جهان، معمول‌ترین روش تنظیم فرهنگ تنظیم الفبایی است، زیرا کاربر راحت‌تر می‌تواند به مدخل موردنظرش دست یابد. خوش‌بختانه بیش‌تر فرهنگ‌نگاران به این مهم توجه ویژه نشان داده‌اند.

۳. فرهنگ‌نگاران

مؤلف فرهنگ باید، ضمن احاطه بر موضوع فرهنگ، با علم فرهنگ‌نگاری و واژه‌شناسی نیز آشنا باشد. کار فرهنگ‌نویسی هیچ‌گاه پایانی ندارد، زیرا زبان مثل موجود زنده پیوسته درحال زایش و دگرگونی است. چنین سیر تکاملی در واژه زاده نیازمندی مردم به واژه‌های بیش‌تر، رساتر، ذوق‌پسندتر، و مطابقت با گفتمان روز است. مشکل عمده فرهنگ‌نگاران ورود واژه‌های بیگانه است که در صد سال اخیر شدت گرفته است. ازاین‌رو، عده‌ای به‌جای جلوگیری از ورود واژگان بیگانه به جنگ با واژگان پذیرفته‌شده رفته‌اند. حال آن‌که کار فرهنگ‌نگار تنها توصیف زبان است، نه تجویز زبان.

تدوین فرهنگ با گردآوری داده‌ها از قبیل متنی، مردم‌نگاری، و الکترونیک شروع می‌شود. فرهنگ‌نگار درآغاز مشخص می‌کند که کدام گونه زبانی، کدام دوره تاریخی، و کدام گویش طبقاتی را توصیف می‌کند. تصمیم فرهنگ‌نگار درباره دامنه و نوع واژگان

تعیین می‌کند که عناصر زبانی از چه متونی یا منابعی استخراج شوند. پس از گزینش متون و انتخاب واژگان، نوبت به تنظیم آن‌ها می‌رسد که معمولاً براساس حروف الفباست (هاشمی میناباد ۱۳۸۶: ۷۳)، ولی اگر نمایه موضوعی نیز داشته باشد، ارزش آن را دوچندان می‌کند. فرهنگ‌نگاران برای تدوین فرهنگ به اطلاعات فرهنگ‌های پیش از خود نیاز دارند و نباید با دیدن مدخل‌های مشترک در فرهنگ‌ها مؤلف فرهنگ را به سرقت متهم کرد. برخلاف متن‌های ادبی، تکرار و تشابه اطلاعات در فرهنگ امری اجتناب‌ناپذیر و متعارف است، زیرا همه فرهنگ‌ها یک پدیده واحد، یعنی زبان، را توصیف می‌کنند (جعفری ۱۳۹۳: ۸۷).

۴. کاربران فرهنگ

محرک اولیه تدوین فرهنگ کاربران فرضی فرهنگ‌اند. این کاربران دو گروه‌اند: عده‌ای با هدف استفاده از اطلاعات فرهنگ به آن مراجعه می‌کنند و کاری به نقد فرهنگ ندارند. البته کاربران حرفه‌ای فرهنگ این چهار پرسش کلی درمورد فرهنگ را پیش‌روی خود می‌گذارند که کدام فرهنگ‌نگار، با چه مجموعه واژگانی، با کدام الگو و شیوه واژگان‌نگاری، و برای چه کسانی یا کاربرانی این فرهنگ را تدوین کرده است (مشیری ۱۳۷۳: ۸). اما گروه دوم به دنبال نقد ساختار خرد و کلان آن‌اند تا میزان موفقیت و کارایی فرهنگ را در مقایسه با فرهنگ‌های نوع خودش بسنجند. متأسفانه، نبود نظریه منسجم و مشخص در حوزه نقد و داوری واژه‌نامه‌ها بر روند تدوین فرهنگ‌های کارآمد و کاربردی اثر منفی می‌گذارد، زیرا بین کاربر فرهنگ و فرهنگ‌نگار واسطه‌ای جز خود فرهنگ نیست و منتقد فرهنگ باید این جایگاه را پر کند (جعفری ۱۳۹۳: ۷۶). نقد واژه‌نامه یکی از گرایش‌های فرهنگ‌نویسی است که طی آن یک واژه‌نامه از منظر پیشینه تاریخی و تطبیق دقیق و موشکافانه با فرهنگ‌های موجود دیگر از نوع خودش بررسی می‌شود. در مقوله نقد واژه‌نامه، نقدهای موجود اغلب روزنامه‌ای‌اند و بیش‌تر کارکرد اطلاع‌رسانی دارند. حال آن‌که منتقد واژه‌نامه باید، ضمن توصیف و معرفی ساختار خرد و کلان فرهنگ، دارای توصیه‌هایی به فرهنگ‌نگاران باشد تا کاربران هم به نتایج روشن و کاربردی برسند. از آن‌جاکه حجم صفحات واژه‌نامه‌ها زیاد است، منتقد می‌تواند از روش نمونه‌گیری تصادفی در بین مدخل‌های «الف» تا «ی» استفاده کند و با همان نمونه‌ها و کلیت فرهنگ پرسش‌های جزئی و دقیق زیر فرهنگ را ارزیابی کند:

۱. فرهنگ موردنظر به گسترش یا آموزش زبان موردتوصیف تا چه حد کمک می‌کند؟
۲. رویکرد فرهنگ توصیفی است یا تجویزی؟
۳. نقاط قوت و ضعف فرهنگ، به‌عنوان یک متن زبان‌شناختی، چیست؟
۴. راه‌نمای استفاده از فرهنگ برای کاربران مفید است یا خیر؟
۵. میزان پای‌بندی مؤلف به اصول و قواعد تعریف‌شده‌اش در مقدمه و ساختار خرد و کلانش چه قدر است؟
۶. این فرهنگ در مقایسه با فرهنگ‌های موجود از نوع خودش در چه جایگاهی قرار دارد؟
۷. نحوه رویکرد فرهنگ‌نگار در گزینش یا آوردن تعاریف و مثال‌هایش درباب مسائل قومی، ملیتی، مذهبی، یا نژادی چیست؟
۸. آیا منابع و مآخذ فرهنگ ارجاع داخلی و خارجی دارند؟
۹. اصول نگارش و ویرایش تا چه حد در آن رعایت شده است؟
۱۰. این فرهنگ‌نامه تا چه حد بیان‌گر روند دگردیسی معنایی واژه است؟

درپایان، منتقد باید توانایی نتیجه‌گیری صحیح و منطقی از موضوعاتی را داشته باشد که طی نقد به آن پرداخته است. منتقد نباید فراموش کند که با تمام تلاش‌های فرهنگ‌نگار احتمال خطا و افتادگی در فرهنگ بسیار زیاد است (همان: ۸۷). ازاین‌رو، باید سعی کند این خطاها و افتادگی‌ها را به فرهنگ‌نگار گزارش دهد.

۱.۴ نگاهی به دوازده فرهنگ زبان فارسی عامیانه و کاربرست سنجه‌های فرهنگ‌نگاری (مرآت‌البله‌ها، کتاب کوچ، قند و نمک، و...)

۱. *مرآت‌البله‌ها؛ فرهنگ مصطلحه عوام* (بی‌تا) منسوب به حبیب‌الله لشکرنویس یا شریعت‌مدار تبریزی، تصحیح احمد مجاهد (۱۳۷۱)، ۱۲۴ مدخل با نظم الفبایی دارد که نسخه چاپ سنگی این فرهنگ در دوران ناصرالدین‌شاه تألیف شد، اما تاریخ دقیق تدوین این فرهنگ هنوز نامشخص است. از تعاریف مدخل‌ها به‌نظر می‌رسد که مؤلف سمتی درباری داشته است. فرهنگ *واژه‌های عامیانه* (۱۳۰۷ق) از رضا حکیم خراسانی با ۱۵۸ سرواژه شباهت مدخلی به این فرهنگ ندارد. *مرآت‌البله‌ها* با *رساله تعریفات عبید زاکانی* شباهت‌هایی دارد، زیرا لشکرنویس با ارائه تعاریفی مبسوط سعی در اصلاح اخلاقی بعضی

از بزرگان و صاحب‌منصبان زمانش داشته است. او برای آوانگاری الفاظ از کلمات هم‌وزن کمک گرفته، اما شاهد مثالی برای مدخل‌ها نیاورده و مدخل‌ها را متناسب با فضای درباری تعریف کرده است. بسیاری از کلماتی که در این فرهنگ آمده‌اند، امروز با معانی کاملاً متفاوت به کار می‌روند؛ مثلاً «شلخته کسی را گویند که از همه‌جا خبر داشته باشد. این خلُق مرکب از دنائت و نمیمت است» (مرآت‌البلها ۱۳۷۱: ۱۲)، اما شلخته امروز به معنای آدم بی‌نظم است.

۲. **فرهنگ لغات عامیانه** (۱۳۴۱) فرهنگی دوجلدی از محمدعلی جمال‌زاده با بیش از صد صفحه مقدمه درباره شکل‌گیری توجه به زبان عامیانه از دوران مشروطه تا روزگار مؤلف و سیاهه‌ای از فرهنگ‌ها و روش کار فرهنگ‌نویسان به‌همراه بیانیه فرهنگستان در دی ۱۳۱۷، مبنی بر دعوت فرهنگ‌دوستان برای گردآوری فولکلور، است که بر اعتبار علمی این فرهنگ می‌افزاید. این فرهنگ شکل گسترش‌یافته واژگان پایانی کتاب یکی بود یکی نبود اوست که در سال ۱۳۲۵ با نام *فرهنگ عوامانه* در اصفهان چاپ شد. فرهنگ جمال‌زاده نظم الفبایی دارد، اما آوانگاری لاتین و تعیین هویت دستوری ندارد. هم‌چنین، مؤلف کوشیده است تا از بیان حکمت عامه، ضرب‌المثل، و کنایه در فرهنگش صرف‌نظر کند.

۳. **کتاب کوچه** (۱۳۵۵-۱۳۹۱) از احمد شاملو مجموعه‌ای دوازده‌جلدی است که با روش میدانی - کتاب‌خانه‌ای و با ملاحظه‌های زبانی و فرهنگی و روش‌مندتر از *امثال و حکم دهخدا* تدوین شده است. شاملو (۱۳۰۴-۱۳۷۹) از دوازده‌سالگی به جمع‌آوری فرهنگ توده پرداخت و به گفته خودش «مشاهده فرهنگ *آنندراج* پدربزرگش جرقه تدوین فرهنگ را برایش زد» (شاملو ۱۳۷۸: شش). او در آغاز الگوی مشخصی برای نظم‌دادن به فیش‌نوشته‌هایش نداشت، اما بعدها آن را با *نظمی الفبایی* در هشت جلد (از ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۸) چاپ و قصه‌های عامیانه را با نام *قصه‌های کتاب کوچه* از مجموعه اصطلاحات، تعبیرات، و ضرب‌المثل‌های فارسی کتابش جدا کرد. بعد از وفاتش، همسرش، آیدا سرکیسیان، و پسرش، سیاوش شاملو، کارش را تا حرف «ج» یعنی تا جلد دوازدهم دنبال کردند. جامعیت موضوعی این فرهنگ تاحدی است که این فرهنگ را «دایرة‌المعارف فرهنگ توده» خوانده‌اند، زیرا ساختار کلی فرهنگ او عبارت است از: «باورهای توده، آداب و رسوم، آیین‌ها، خواب‌گزاری، احکام، بازی‌ها، ترانه و تصنیف، دعا، نفرین، سوگند، دشنام، ترکیبات جمله‌ای و شبه‌جمله‌ای (ابیات و اشعار)، چیستان‌ها، امثال و حکم، و تعبیرات مصدری» (شاملو ۱۳۵۵: هشت).

از جذابیت‌های کتاب کوچه وجود برخی خرافات و باورهای توده است که با عقل سلیم ناسازگارند. شاملو، ضمن امانت‌داری و صداقت، علامت سؤال یا تعجب گذاشته است که در فرهنگ‌نویسی جدید به آن «نگرش فرهنگ‌نگار به مدخل» می‌گویند. ضعف این فرهنگ شیوه شماره‌گذاری مدخل‌هایش است که کاربر فرهنگ را کمی گیج می‌کند و به سبب جامعیت موضوعی‌اش تنظیم الفبایی - موضوعی را با هم تلفیق می‌کند، اما نتوانسته است حروف الفبا را تا حرف «ی» خاتمه دهد و تاکنون تنها تا حرف «چ» به چاپ رسیده است. این حرکت کند تدوین کتاب کوچه مؤید این ادعاست که تدوین فرهنگ کاری نیست که یک نفر به تنهایی آن را به نحو شایسته پایان برد و به گروه پژوهشی هم‌پیمان، دقیق، و آشنا به شیوه فرهنگ‌نویسی نیاز دارد. اگر شاملو هرکدام از موضوعات مدخلی فرهنگش را، مثل تعبیر خواب، باورهای توده، مثل‌ها، و... هم چون قصه‌های کتاب کوچه در مجموعه‌های مستقلی چاپ می‌کرد، شاید این مشکل برطرف می‌شد. البته، به نظر می‌رسد دغدغه شاملو تدوین یک دایرةالمعارف برای فرهنگ عامه بود تا کاربر فرهنگش را از مراجعه به سایر کتاب‌ها بی‌نیاز کند.

۴. **قند و نمک** (۱۳۷۰) فرهنگی الفبایی از جعفر شهری که ضرب‌المثل‌های تهرانی با زبان محاوره را تدوین کرده است. از ضعف‌های این فرهنگ اتکا به شاهدمثال به جای معنای دقیق ضرب‌المثل‌هاست و بسیاری از مدخل‌هایش، افزون‌بر لهجه تهرانی، در سایر گویش‌های کشورمان نیز به کار می‌روند. بنابراین، اگر عنوان فرهنگ را ضرب‌المثل‌های ایرانی با زبان محاوره می‌گذاشت بهتر بود. شهری به آوانگاری و هویت دستوری و بلاغی مدخل‌ها نپرداخته است. او در برابر الفاظ رکیک برچسب ستاره یا علامتی خاص نگذاشته است تا مخاطب بداند که این عبارت ناسزاگویی است و هرجایی به کار نمی‌رود. شاهدمثال‌ها اغلب از اشعار کلاسیک انتخاب شده‌اند و منبع آن‌ها نیامده است.

۵. **فرهنگ جبهه؛ اصطلاحات و تعییرات** در چهار جلد از سیدمهدی فهیمی (۱۳۶۸-۱۳۷۱) است. او درست یک سال پس از جنگ کارگردآوری و چاپ آن را شروع کرد. این فرهنگ پر از اصطلاحات و تعابیری است که تنها در فضای جبهه و جنگ معنا دار و جذاب است؛ مثل ترکش‌پلو: عدس‌پلو، داماد خدا: شهید، شیخ اجل: خمپاره ۶۰، نفربر: پوتین، لاک‌پشت: تانک، و کله‌قند: گلوله خمپاره (فهیمی ۱۳۷۴: ۲۵، ۳۲، ۷۳، ۸۳، ۹۲) یا بازی با کلماتی مثل: تبلیغات به جای تبلیغات، اندی موشک به جای اندیمشک، بستنی به جای دکمه (همان: ۳۲، ۴۰، ۶۹). فهیمی در مقدمه این فرهنگ دسته‌بندی مغشوشی از

اصطلاحات جبهه را ارائه کرده است که عبارت‌اند از: ۱. اصطلاحات نظامی کلاسیک، ۲. پارتیزانی، ۳. گد، ۴. اصطلاحات مشترک جبهه و پشت جبهه، ۵. اصطلاحات فرهنگ عامه جبهه، ۶. اصطلاحات محلی، ۷. اصطلاحات و شوخ‌طبعی‌ها، اما در فرهنگش همه این دسته‌ها را با نظم الفبایی با هم تلفیق کرده است و در پایان کتاب دسته‌بندی دیگری را از دایره مدخلی‌اش ارائه کرده است که عبارت‌اند از: «عبادت، بسیجی، شهید و شهادت، دشمن، سلاح و مهمات، وسایل نقلیه، امدادگر، شب عملیات، اسامی جاه‌ها، اسامی اشخاص، اشیا و ادارات، فرمان‌دهان، مسئولان، جهادگران، خواب‌دیدن، آب‌خواستن، ترکش، و...» (همان: ۸۹-۹۵). باین‌که اغلب مدخل‌های این فرهنگ کنایه و استعاره‌اند، آوانگاری، هویت دستوری، و بلاغی مدخل‌ها نیامده است.

۶. **فرهنگ لغات عامیانه و معاصر** (۱۳۷۷) از رضا انزابی‌نژاد و منصور ثروت که، ضمن معرفی فرهنگ خود، هدف از تدوین فرهنگ را تکمیل کار فرهنگ لغات عامیانه جمال‌زاده و فرهنگ زبان فارسی امروز صدری افشار و دیگران، فرهنگ عوام امینی، کتاب کوچه شاملو، و فرهنگ جبهه فهیمی برشمرده‌اند. این فرهنگ فقط مخصوص واژگان عامیانه نیست، بلکه واژگان عمومی را هم در بر دارد که ترکیب واحدهای واژگانی چند فرهنگ عامیانه و رسمی در یک فرهنگ و ناآشنایی با ماهیت فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه فرهنگ را در حد یک فرهنگ تلفیقی نه عامیانه تقلیل می‌دهد.

۷. **فرهنگ فارسی عامیانه** (۱۳۷۸) در دو جلد از ابوالحسن نجفی است. او، ضمن معرفی کوتاه زبان معیار و عامیانه و گونه‌شناسی لایه‌های زیرین هریک با نظم الفبایی، به‌تنهایی و به‌مدت ده سال مدخل‌هایش را از زبان گفتاری و عامیانه ۱۱۴ تک‌داستان کوتاه عامیانه‌نویسان سده چهاردهم مثل صادق هدایت، سیمین دانشور، جلال آل‌احمد، صمد بهرنگی، و... گردآوری کرد. او تنها برای واژگانی که تلفظ دشوار داشتند آوانگاری کرده و هویت دستوری و بلاغی همه مدخل‌ها را مشخص نکرده است. از جذابیت‌های این فرهنگ این است که برای اولین بار تنها معنای برداشت‌پذیر از شواهد موجود در داستان‌های معاصر را نوشته و «به نقش وندهای اشتقاقی در ساخت واژگان و تعبیر عامیانه توجه کرده، مثلاً "ب" در بساز و بخور، بشو، برو را در معنای صفتی آن‌ها یعنی صبور، شکمو، شدنی، و پرونق به‌کار برده نه معنای امری آن» (نغزگوی کهن ۱۳۹۰: ۱۰۳).

۸. **فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان** (۱۳۸۰) از مهشید مشیری که با روش زبان‌شناختی ۱۱۱۸۰ مدخل از اصطلاحات روز جوانان را با ذکر شواهد و تعیین هویت

دستوری و نقش بلاغی آن‌ها گردآوری کرده است. هم‌چنین، اصطلاحات آش‌پزی، صنعتی، ورزشی، نظامی، جبهه، شطرنج، زندان، قمار، روسی، فرانسوی، کردی، و ترکی متداول را در مجموعه ۱۲۸ صفحه‌ای خود از دل سایر فرهنگ‌های دوران گل‌چین کرده، اما منابع کارش را در مقدمه و ذیل مدخل‌ها معرفی نکرده است. از ضعف‌های این فرهنگ تعلق‌نداشتن همه مدخل‌ها به اصطلاحات عامیانه جوانان و توضیح‌ندادن درباره واحدهای دستوری نام‌گذاری شده در مدخل‌هایش است.

۹. **فرهنگ لغات زبان مخفی** (۱۳۸۲) از مهدی سمائی که لغات و اصطلاحات قشرهای مختلف جامعه را، از قبیل اصطلاحات کُد یا رمزی متداول بین برخی جوانان، زندانیان، معتادان و سارقان، به‌روش میدانی، مصاحبه، و اطلاعات شخصی با دسته‌بندی الفبایی و موضوعی گرد هم آورده است. منظور سمائی از لغات مخفی همان آرگو (Argot) فرانسوی است که جزو واژگان تیره است و هر بار که رمزگشایی می‌شود، مترادف‌های جدیدی جای‌گزین آن می‌شود تا هم‌چنان مخفی بماند. سمائی به مدخل‌هایش برچسب عام، رایج، محدود، منسوخ، پسرانه، و دخترانه زده است که تاحدی نگرش او را به مدخل‌ها برجسته می‌کند. سمائی با بی‌پروایی مدخل‌های زبان مخفی را معنا کرد؛ مدخل‌هایی که ضداخلاقی نیز بودند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تجدید چاپ این فرهنگ جلوگیری کرد. البته، پیش از سمائی، برخی مدخل‌های پایان کتاب *سالن ۶: یادداشت‌های روزانه زندان* (۱۳۸۰) از سیدابراهیم نبوی و فرهنگ *جبهه؛ اصطلاحات و تعبیرات* (۱۳۷۴) از سیدمهدی فهیمی واژگان کُد داشتند، اما بازهم همه مدخل‌های فرهنگ سمائی کُد و مخفی نبودند. مثلاً «فک‌زدن: پرحرفی کردن؛ یزیدشدن: عصبانی شدن؛ کلاس گذاشتن: تقلید از رفتار متجددان برای تظاهر» (سمائی ۱۳۸۲: ۶۹، ۷۳، ۸۵) کنایه‌هایی‌اند که با قرینه‌های حسی و ذهنی می‌توان مفهوم آن‌ها را دریافت. سمائی در برابر الفاظ رکیک برچسب ستاره یا علامتی خاص نگذاشته است تا مخاطب بداند که این عبارت ناسزاگویی است و هر جایی به‌کار نمی‌رود.

۱۰. **فرهنگ زبان‌زدهای فارسی** (۱۳۸۸) از غلام‌حسین صدری‌افشار. زبان‌زدها همان عبارت‌های قالبی از قبیل دعا، نفرین، دشنام، تهدید، ستایش، سپاس، تهدید، و تعارف‌اند که دایره صرفی محدودی دارند؛ یعنی همه صیغه‌های فعلی آن صرف نمی‌شود و با هر نوع ضمیری به‌کار نمی‌روند؛ مثل: روز خوش! دست مریزاد! زنده باد! شب به‌خیر! اولین بار احمد شاملو اصطلاح زبان‌زد را به‌کار برد و زبان‌زدها را به‌صورت جداگانه از

ضرب‌المثل و اصطلاح جمع‌آوری کرد (صدری افشار ۱۳۸۶: ۶). صدری افشار زبان‌زدهای روزمره مردم تهران را با شواهد کاربردی آن در صیغه‌های مختلف گرد هم آورد. ابتکار او این بود که شکل‌های پرکاربرد این زبان‌زدها را مثل فعل‌های فارسی با شناسه مربوط به آن صرف کرد و صورت نارایج را با خط تیره کنار گذاشت. از ضعف‌های این فرهنگ این است که صدری افشار، به سبب دادن نظم الفبایی به هشت شاخه موضوعی زبان‌زدهایش، یعنی «دعاها، سپاس‌ها، تهدیدها، تعارف‌ها، نفرین‌ها، خوش‌آمدگویی‌ها، دشنام‌ها، و متلک‌ها» (همان: ۱)، ناگزیر به برهم‌زدن ترتیب موضوعی شد، حال آن‌که می‌توانست با تفکیک موضوعی و وفادارماندن به نظم الفبایی مرز این هشت شاخه موضوعی را تعیین کند.

۱۱. *دایرةالمعارف زیبایی‌خنده* (۱۳۸۸) از سیدجواد هاشمی‌نژاد که شوخی‌ها و لطیفه‌ها و نوجویی‌های زبانی موجود در وبلاگ‌ها و پیامک‌ها را با رعایت ضوابط اخلاقی گرد هم آورده است. این دایرةالمعارف در ۳۲ بخش با عناوینی از قبیل «ازدواج، پزشکان، چیستان و معما، حیوانات و حشرات، خُلان یا دیوانگان، دزدان، ذوق‌آزمایی، بازی با ۳۲ حرف الفبا، و...» (هاشمی‌نژاد ۱۳۸۸: ۵-۷) را از منابع متنی و غیرمتنی گردآوری کرده و به هر بخش نظم الفبایی داده است. همان‌طور که از عناوین بخش‌های این دایرةالمعارف پیداست نظمی کسکولی دارد و در آن شیوه علمی فرهنگ‌نویسی رعایت نشده است. موضوع برخی بخش‌ها می‌توانند در یک‌دیگر ادغام شوند تا تعداد بخش‌ها کم‌تر شود.

۱۲. *فرهنگ فارسی‌گفتاری* (۱۳۹۵) از بهروز صفرزاده که با استفاده از تخصص خود در فرهنگ زبان آموز فارسی (۱۳۸۸) و تجربه‌ای که از همکاری با انوری در فرهنگ بزرگ سخن و حضور در گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان برای طرح تألیف فرهنگ جامع زبان فارسی توانست فرهنگ فارسی‌گفتاری را تألیف کند. این فرهنگ بدون آوانگاری لاتینی و بدون مراجعه به گفت‌وگوهای درون متن‌های فارسی معاصر کوشیده است گفت‌وگوهای روزانه فارسی‌زبانان را در قالب گفتارهای دوستان، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، نوشته‌های درون وبلاگ‌ها و وب‌گاه‌ها گردآوری کند تا فرهنگ او روزآمدتر و کاربردی‌تر از فرهنگ‌های قبلی شود. این فرهنگ فاقد تعیین هویت دستوری مدخل‌ها و آوانگاری لاتینی است؛ آوانگاری‌ها براساس حرکت‌گذاری آوایی معرفی شده‌اند و مدخل‌ها پانزده برچسب به نام‌های بی‌ادبانه، توهین‌آمیز، رسمی، عامیانه، محترمانه، تحقیرآمیز،

خودمونی، زشت، فحش، مؤدبانه، تعارف، دعا، طنز، کودکانه، و نفرین دارند. صفرزاده کوشیده است تا به جای «گفتارنوشت» یا تبدیل صورت نوشتاری فارسی گفتاری از شکل شکسته یا محاوره‌ای زبان عامیانه در مدخل‌سازی استفاده کند؛ حتی تعریف‌نگاری واژه‌ها و اصطلاحات گفتاری به زبان گفتاری است.

در جدول زیر، سعی شده است دوازده فرهنگ بالا از منظر ساختار خرد و کلان، که در سنجه‌های ارزیابی فرهنگ برشمرده شد، دسته‌بندی و تحلیل کیفی شود. علامت ستاره (*) به معنای دارا بودن تمام ویژگی‌ها، علامت خط تیره (-) به معنای فقدان، و علامت Ø به معنای ناقص بودن ویژگی موردنظر در ساختار خرد و کلان این فرهنگ‌هاست:

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی ... (قدسیه رضوانیان و دیگران) ۳۲۱

جدول ۳. ساختار خُرد و کلان دوازده واژه‌نامهٔ زبان فارسی عامیانه

دوازده واژه‌نامهٔ زبان فارسی عامیانه												عناصر بررسی شده	ساختار کلان	
ف.ف.گ ۱۲	د.ز.خ ۱۱	ف.ز.ف ۱۰	ف.ل.ز.م ۹	ف.ا.ع.ج ۸	ف.ف.ع ۷	ف.ل.ع.و.م ۶	ف.ج ۵	ق.ن ۴	ک.ک ۳	ف.ل.ع ۲	م.ب ۱			
∅	∅	∅	*	*	*	∅	∅	—	∅	*	—	۱	مقدمهٔ علمی (تاریخچه، راه‌نمای استفاده از فرهنگ و آوانگاری)	
القباپی	موضوعی - القباپی	القباپی	القباپی - موضوعی	القباپی	القباپی	القباپی	القباپی	القباپی	القباپی	القباپی	القباپی	۲	شیوهٔ تنظیم فرهنگ	
کتاب‌خانه‌ای - میثانی	میثانی - کتاب‌خانه‌ای	کتاب‌خانه‌ای - میثانی	میثانی - کتاب‌خانه‌ای	میثانی - کتاب‌خانه‌ای	کتاب‌خانه‌ای	کتاب‌خانه‌ای	میثانی	میثانی - کتاب‌خانه‌ای	میثانی - کتاب‌خانه‌ای	میثانی - کتاب‌خانه‌ای	میثانی	۳	روش گردآوری مدخل	

*	—	*	*	—	*	*	—	—	∅	—	—	بیان سرواژه اصلی در بالای صفحه	۴	دکتر ساجده سجادی
*	—	*	*	—	*	*	—	∅	*	—	—	سامان‌دهی مدخل به اصلی و فرعی	۵	
*	∅	*	∅	*	—	∅	*	*	—	∅	*	ضبط شکل حقیقی و شکسته مدخل	۶	
—	—	—	—	—	*	*	∅	—	*	—	—	منابع مدخل‌ها	۷	
زیر و زیری	زیر و زیری	لاتین	لاتین	لاتین	زیر و زیری و کمی لاتین	لاتین	زیر و زیری	زیر و زیری	زیر و زیری و کمی لاتین	زیر و زیری	واژه هم‌وزن	آوانگاری	۱	
*	*	*	*	*	*	—	∅	∅	*	∅	∅	اطلاعات معنایی کامل و تفکیک معنایی	۲	
—	—	—	∅	*	∅	—	∅	∅	*	∅	∅	تبارشناسی	۳	

بررسی انتقادی جریان فرهنگ‌نویسی ... (قدسیه رضوانیان و دیگران) ۳۲۳

—	—	—	—	*	∅	—	—	—	*	∅	—	بیان هویت دستوری/ بلاغی	۴
—	—	*	*	*	∅	—	*	—	*	∅	*	برچسب‌دهی کاربردشناسانه	۵
—	—	—	—	∅	—	—	—	—	∅	—	—	ریشه‌شناسی	۶
∅	∅	∅	*	*	*	∅	∅	∅	*	—	—	مترادف/ تضاد	۷
*	*	*	*	*	*	∅	∅	*	*	∅	—	شاهد مثال	۸
—	—	*	*	*	*	*	—	—	*	—	—	ارجاع درون‌فرهنگی	۹

تحلیل جدول ۳: با توجه به این جدول باین که *مرآت‌البله‌ها* در عصر قاجار تدوین شد و مؤلف آشنایی با روش فرهنگ‌نویسی نداشته کوشیده است تا با روش میدانی، نظم الفبایی، و آوانگاری با کلمات هم‌وزن فرهنگی کاربردی بنگارد. هم‌چنین، با برچسب‌زدن نگرش موقعیتی به سرواژه و نسبت‌دادن آن به یکی از ویژگی‌های زشت اخلاقی مثل رعونت، رذالت، بلاهت، تملق، و... کاربرد آن را برای مخاطب در موقعیت مناسب مشخص کند. ده فرهنگ با نظم الفبایی تدوین شده‌اند و دو فرهنگ دیگر نظم موضوعی - الفبایی دارند. هشت فرهنگ از روش آوانگاری زیر و زبری یا حرکت‌گذاری استفاده کرده‌اند. مقدمه اغلب فرهنگ‌ها به جز جمال‌زاده، نجفی، سمائی، مشیری، و صفرزاده چندان کاربردی نیست و گویای ساختار کلان فرهنگ نیست، باین‌که گردآوری مدخل به‌روش میدانی در فرهنگ‌های زبان عامیانه اهمیت به‌سزایی دارد، بیش‌تر فرهنگ‌نگاران به‌تأسی از فرهنگ‌های رسمی از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده کرده‌اند. بیش‌تر سرواژه‌ها در بالای صفحات فرهنگ‌ها ذکر نشده‌اند. مدخل‌های اصلی و فرعی فرهنگ‌ها از هم تفکیک نشده‌اند و فقط در شش فرهنگ به این مهم پرداخته‌اند. تنها شش فرهنگ از دوازده فرهنگ کوشیده است تا مدخل‌ها را به‌شکل حقیقی‌شان ضبط کند و بقیه، به‌پیروی از فرهنگ‌های فارسی رسمی، با زبان معیار مدخل‌ها را تحریف کرده‌اند. بیش‌تر فرهنگ‌نگاران کوشیده‌اند معانی مختلف هر مدخل را با اعداد یا سایر نشانه‌های قراردادی از هم تفکیک کنند. در بیش‌تر فرهنگ‌های تبارشناسی، مدخل‌ها شکل نامنسجمی دارد، تنها شاملو و مشیری در فرهنگ خود هویت دستوری و بلاغی مدخل‌ها را به‌شکلی علمی بررسی کرده‌اند و در بقیه یا وجود ندارد یا نامنسجم است. باوجود اهمیتی که برچسب‌نگرش در فرهنگ‌های فارسی عامیانه دارد، از بین دوازده فرهنگ انتخابی، تنها شش فرهنگ برچسب‌نگرش دارند. به‌جز مشیری، هیچ‌یک از فرهنگ‌نگاران به ریشه‌شناسی علمی سرواژه‌های درون فرهنگ خود نپرداخته‌اند. اغلب فرهنگ‌نگاران برای سرواژه‌ها مترادف و متضاد از درون فرهنگ یا بیرون از فرهنگ تعریف کرده‌اند. به‌جز *مرآت‌البله‌ها*، بقیه فرهنگ‌ها شاهد مثال دارند. ارجاع درون‌فرهنگی به‌طور نسبی در فرهنگ‌ها با رابطه شش به دوازده وجود دارد. از بین فرهنگ‌های بالا، فرهنگ نجفی و مشیری بیش‌تر با اصول فرهنگ‌نگاری در زبان‌شناسی کاربردی هم‌خوانی دارند، زیرا دارای مقدمه علمی‌اند، معنای سرواژه‌ها با اعداد تفکیک شده‌اند، کاربرد سرواژه‌ها در شاهد مثال‌ها نشان داده شده‌اند، آوانگاری، مترادف، و متضاد و ارجاع درون‌فرهنگی دارند.

۲.۴ افق‌های جدید فرهنگ‌نویسی با پیکره‌زبانی رایانه‌ای در زبان‌شناسی کاربر

امروزه، رایانه افق‌های جدیدتری را برای کار سخت و بی‌پایان فرهنگ‌نویسی گشوده است. با رایانه پیکره فرهنگ گسترده‌تر و متنوع‌تر می‌شود. برخلاف فرهنگ‌های سنتی، محدودیتی در حجم بالای مدخل‌ها وجود ندارد. سامان‌دهی و روزآمدکردن این فرهنگ‌ها به وقت چندان و هزینه سنگین نیاز ندارد و کار ویرایش و افزایش مدخل‌ها با سهولت و سرعت بیشتری انجام می‌شود. می‌توان روی داده‌ها تحلیل انجام داد. مدخل‌های جعلی و نو را از قدیمی جدا کرد. بسامد و میانگین واحدهای واژگانی از قبیل صفت، اسم، قید، و... را سنجید و سیاهه‌ای آماری از فهرست واژگان تهیه کرد (جعفری ۱۳۹۳: ۸۹). در فرهنگ‌های سنتی با روش فیش‌نویسی این کارها امکان‌پذیر نیست، زیرا هرچه فرهنگ‌نگار دقت کند هم احتمال غلط دستوری، املائی، تلفظی، افتادگی، و افزایش و کاهش معنایی سرواژه‌ها وجود دارد. پیکره اغلب فرهنگ‌های چاپی موجود بانک شاهدها هستند؛ یعنی با جمله‌ها و بیت‌های از هم گسسته و بنابه سلیقه برگه‌نویس از متن‌های گوناگون گردآوری شده‌اند. در برخی از کشورها، تنها از پیکره‌زبانی رایانه‌ای برای فرهنگ‌نگاری استفاده می‌شود. در ایران فرهنگ جامع زبان فارسی از سال ۱۳۸۶ تا کنون به سرپرستی علی‌اشرف صادقی با روش پیکره‌زبانی رایانه‌ای تدوین شده است که همه متون منتخب را در برنامه نرم‌افزاری ویژه‌ای حروف‌نگاری کردند تا مؤلفان از طریق واحدهای واژگانی و شواهد متنی به تعریف مدخل‌ها، ویرایش، بازبینی، و پیرایش بپردازند. این نرم‌افزار امکان ویرایش و دایره مدخلی این فرهنگ را، افزون بر منابع متنی، پژوهش‌های میدانی، واژگان وارداتی تاجیکی، و دری افغانی، نیز در بر دارد (خطیبی ۱۳۸۶: ۶۱).

اگر واژه‌های عامیانه در حمایت فرهنگستان زبان درآیند و منسجم و یک‌پارچه شوند، نیاز علمی بسیاری از کاربران زبان در همان محیط مجازی را برطرف خواهند کرد، زیرا بیش‌ترین نوجویی‌های زبانی در زبان علم و زبان عامیانه رخ می‌دهد و به طرز معجزه‌آسایی فراگیر می‌شود. بدیهی است که شمار واژگان مخفی و اینترنتی در زبان عامیانه رو به افزایش است و بسیاری از این واژگان ساختی استعاری دارند. کاربران می‌توانند، ضمن استفاده از اطلاعات آن پایگاه، معلومات واژگانی خود را در آن پایگاه به اشتراک بگذارند، زیرا با گذر زمان و فراموش شدن پس‌زمینه‌های ایجاد آن واژه یا اصطلاح مردم به ریشه‌شناسی خرافی دست می‌زنند و نمی‌توان با این پراکندگی داده‌زبانی تحلیل علمی و جامعه‌شناختی انجام

داد، اما اگر این داده‌های پراکنده به شکلی رایانه‌ای مدون شوند جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز می‌توانند روی این پیکره تحلیل علمی انجام دهند؛ مثلاً چه اصطلاحاتی در زبان عامیانه متداول است و بیش‌ترین معادل‌ها را دارند؟ دلایل ایجاد و استفاده از واژگان و اصطلاحات عامیانه چیست؟ باتوجه‌به خاستگاه و حوزه کاربرد واژه، کانون‌ها و کانال‌های تولید و توزیع اصطلاحات عامیانه کدام‌اند و محیط‌هایی که این واژگان در آن‌ها بیش‌تر رایج است کجاست؟ قلمرو موضوعی این اصطلاحات چه مسائلی را هدف می‌گیرد؟ شیوه ساختن این اصطلاحات چگونه است؟ چه رابطه‌ای بین فرایندهای اصلی فرهنگ معاصر جامعه ایران مثل مدرن‌شدن، صنعتی‌شدن، شهرنشینی، رشد فردیت، و رسانه‌ای و مجازی‌شدن با پدیده رشد زبان مخفی وجود دارد؟ آیا ممکن است ثبت و مستندسازی زبان مخفی یا اصطلاحات خودمانی مربوط به تابوهای اجتماعی و امور ممنوعه پی‌آمدهای منفی اخلاقی را در بر داشته باشد؟ (اکرامی ۱۳۸۳: ۲۶۱).

۵. نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این مقاله، بیش‌ترین ضعف فرهنگ‌نگاران استفاده از روش کتاب‌خانه‌ای برای گردآوری مدخل و ضعف اطلاعات زیرمدخلی در ساختار خرد آن‌هاست. حدود دو سده فرهنگ‌نگاری برای واژگان و تعابیر عامیانه زمان قابل ملاحظه‌ای است. نبود اصول علمی مدون، ورود دیرنگام زبان‌شناسی کاربردی به بحث‌های مربوط به زبان عامیانه یا پای‌بندنبودن فرهنگ‌نگاران به اصولی همه‌پسند و معمول به تدوین فرهنگ‌واره‌های بازاری منجر شد. می‌توان با معیارهای فرهنگ‌نویسی زبان فارسی رسمی زبان عامه را هم بررسی کرد، زیرا تفاوت این دو در روش گردآوری و محتوای اطلاعات زیرمدخلی است، و گرنه از نظر ساختار هر دو مثل هم‌اند. سیر خطی تدوین واژگان و تعابیر عامیانه از دوران قاجار تا کنون نشان می‌دهد که فرهنگ‌های جدید با اصول زبان‌شناسی کاربردی و مباحث جامعه‌شناسی زبان درهم آمیخته‌اند، اما هنوز از راه‌اندازی پیکره زبانی رایانه‌ای برای زبان عامیانه از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی خبری نیست و این کم‌توجهی به واژگان و تعابیر عامیانه شاید ناشی از نازل‌نگری به زبان عامیانه و ترس از ورود واژگان تابوشکن در زبان معیار باشد. حال آن‌که با برچسب‌دهی به این واژگان و تعابیر می‌توان محدوده کاربرد آن را مشخص کرد.

کتاب‌نامه

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۵)، *از صبا تا نیما*، جلد ۲، تهران: کتاب‌های جیبی.
- احشامیان، جواد (۱۳۹۴)، «معرفی نرم‌افزار واژه‌یاب بسامدی»، *فرهنگ‌نویسی*، ش ۱۰.
- اسپیرز، ریچرڈ ا. (۱۳۹۷)، *فرهنگ مردم: اصطلاحات خودمانی، عامیانه، و اسلنگ مردم آمریکا*، تهران: پیام امروز.
- اکرامی، محمود (۱۳۸۳)، *مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی*، مشهد: ایوار.
- بختیاری، رحمان (۱۳۸۸)، «ریشه‌شناسی در فرهنگ‌ها»، *فرهنگ‌نویسی*، ش ۲.
- جعفری، زهرا (۱۳۹۳)، «مروری بر مقوله نقد فرهنگ لغت و مبانی آن»، *فرهنگ‌نویسی*، ش ۵ و ۶.
- جمال‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۲)، *فرهنگ لغات عامیانه*، تهران: سخن.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «فرهنگ جامع زبان فارسی: پیکره در فرهنگ‌نویسی»، *فرهنگ‌نویسی*، دوره ۱، ش ۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۰)، *امثال و حکم*، تهران: مجلس شورای ملی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی ساخت‌های قالبی در گفتار عامه»، *جستارهای زبانی*، دوره ۶، ش ۴.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۴)، *زبان و ادبیات ایران باستان*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زرنیخی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، «دیدگاه نظری درباره فرهنگ‌نگاری»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، ش ۵۸.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۷۸)، *زبان فارسی معیار*، تهران: هرمس.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۹۲)، «جنبه‌های اجتماعی فرهنگ‌نویسی»، *فرهنگ‌نویسی*، ش ۵ و ۶.
- سبزی‌پور، نیک‌گهر و سیده‌فاطمه جهان‌دوست (۱۳۹۳)، «فرهنگ‌نگاری گویشی: مطالعه موردی: بررسی فرهنگ‌نگاری در گیلکی»، *زبان‌پژوهی*، ش ۶، ش ۱۱.
- شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۹۴)، «ویژگی‌های گونه زبانی خرده‌فرهنگ جبهه»، *فصل‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه*، ش ۶، ش ۶.
- شهری، جعفر (۱۳۷۰)، *قند و نمک: ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره*، تهران: معین.
- صدری افشار، غلام‌حسین (۱۳۸۶)، *فرهنگ زبان‌زدهای فارسی*، تهران: مازیار.
- صفرزاده، بهروز (۱۳۹۵)، *فرهنگ فارسی گفتاری*، تهران: کتاب بهار.
- طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۶)، «نکاتی درباره آسیب‌شناسی برخی فرهنگ‌ها»، *فرهنگ‌نویسی*، دوره ۱، ش ۱.

۳۲۸ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۹، آذر ۱۴۰۰

- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۵)، «نقدی بر فرهنگ فارسی گفتاری»، *ایران‌شهر امروز*، ش ۴.
- عاصی، مصطفی (۱۳۷۹)، «از پیکره زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای»، در: *مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران*.
- عباسی، آریتا (۱۳۹۲)، «فرهنگ‌نویسی و توانش کاربردشناختی»، *فرهنگ‌نویسی*، ش ۷.
- فهیمی، سیدمهدی (۱۳۶۸-۱۳۷۱)، *فرهنگ جبهه؛ اصطلاحات و تعبیرات*، تهران: سروش.
- قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۲) «پیش‌نهادهایی به مؤلفان فرهنگ‌های فارسی به زبان‌های دیگر»، *فرهنگ‌نویسی*، ش ۷.
- قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴)، «نقد و بررسی مجموعه فرهنگ‌های سخن»، *فرهنگ‌نویسی*، ش ۱۰.
- قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴)، «معرفی نرم‌افزار فرهنگ‌نویسی پرلکس (Perlex)»، در: *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان‌شناسی پیکره‌ای، نویسه پارسی*.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶)، «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی امروز»، *فرهنگ‌نویسی*، دوره ۱، ش ۱.
- لیان، سعید (۱۳۸۶)، «ضرورت توجه به صورت‌های شکسته در فرهنگ‌های فارسی»، *فرهنگ‌نویسی*، دوره ۱، ش ۱.
- مرآت‌البله؛ لغات مصطلحه عوام (۱۳۷۱)، منسوب به حبیب‌الله لشکرنویس، به‌اهتمام احمد مجاهد، تهران: ما.
- مشیری، مهشید (۱۳۶۹)، «ساختار واژه‌نامه‌های تخصصی»، *مجله علوم انسانی*، ش ۳ و ۴.
- مشیری، مهشید (۱۳۸۰)، *فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان*، تهران: آگاهان ایده.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸)، *فرهنگ فارسی عامیانه*، تهران: نیلوفر.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۶)، «تاریخچه فرهنگ‌نویسی عامیانه فارسی»، *فرهنگستان زبان*، دوره ۱، ش ۱.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۰)، «مقایسه دستوری‌شدگی و دستوری‌زدایی در فارسی کنونی»، *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ش ۴.
- هاشمی میناباد، حسن (۱۳۸۶)، *مجموعه مقالات فرهنگ‌نگاری*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

Bartech, Renate (1987), *Norms of Languages*, London: Longman.

Hudson, R. A. (1980), *Sociolinguistics*, Cambridge University Press.